

## The Shi'i Jurisprudential-Theological Approach to Soft Cognitive Threats and Strategies for the Development of Soft Power

Mahdi Mohammadzadeh Banitarafi<sup>1</sup>

(Received on: 2024-04-27; Accepted on: 2024-10-18)

### Abstract

The development of soft power, in essence, consists of laying the groundwork for an active engagement with the soft threats posed by adversaries. These threats manifest across three layers—cognition, inclination, and action—each of which carries particular significance. The degree of importance attributed to each of these layers, however, is contingent upon the specific temporal and spatial context. Nevertheless, irrespective of their relative significance, the teachings of Islam as a true religion have attended to the soft threats of adversaries and offer strategies for countering them. Given the intensification of the enemy's soft warfare through modern media, and considering that Islamic teachings constitute one of the epistemic sources for the designers of the Islamic social order, it is imperative to identify the various types of soft threats across the aforementioned layers and to formulate corresponding counter-strategies from an Islamic perspective, so as to develop applicable models for the contemporary world. The present study endeavors to articulate certain soft threats posed by the enemies of Islam at the cognitive layer, along with the strategies for confronting them from an Islamic standpoint, while deferring the examination of the inclination and action layers to future research. This study has collected data through library-based methods and analyzes them employing a descriptive-analytical approach.

**Keywords:** Soft Power, Soft Threat, Cognitive Warfare, Active Engagement, Groundwork for Active Engagement

---

1. Assistant Professor, Department of Islamic Teachings Education, Farhangian University, Tehran, Iran.  
Email: m.mohamadzadeh@cfu.ac.ir

## رویکرد فقهی-کلامی شیعه در مواجهه با تهدیدات نرم بینشی و راهکارهای ایجاد قدرت نرم

مهدی محمدزاده بنی طرفی<sup>۱</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴]

### چکیده

ایجاد قدرت نرم، در حقیقت بسترسازی برای مواجهه فعال با تهدیدهای نرم دشمنان است. این تهدیدها در سه لایه بینش، گرایش و کنش صورت می‌پذیرد که هر یک از این لایه‌ها اهمیت خاصی دارند. البته درجه اهمیت این لایه‌ها تابع شرایط زمان و مکان است. با این حال، صرف نظر از درجه اهمیت آن‌ها، آموزه‌های دین مبین اسلام به تهدید نرم دشمنان توجه داشته است و راهکارهایی برای مقابله با آن ارائه می‌دهد. با توجه به شدت یافتن جنگ نرم دشمنان، به کمک رسانه‌های نوین و با توجه به اینکه آموزه‌های دین مبین اسلام یکی از منابع معرفتی طراحان نظام اجتماعی اسلام است، ضرورت دارد که انواع تهدیدهای نرم در لایه‌های مذکور و راهکارهای مقابله با آن‌ها از منظر اسلام شناخته شود و برای کاربرد در جهان کنونی، الگوپردازی گردد. در این پژوهش تلاش شده است که برخی از تهدیدهای نرم دشمنان اسلام در لایه بینشی و راهکارهای مواجهه با آنان از منظر اسلام بیان گردد و بررسی آنان در لایه‌های گرایشی و کنشی را به پژوهش‌های آینده می‌سپارد. این پژوهش اطلاعات را به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری کرده است و به صورت توصیفی-تحلیلی بررسی می‌کند.

**واژگان کلیدی:** قدرت نرم، تهدید نرم، جنگ شناختی، مواجهه فعال، بسترسازی مواجهه فعال

---

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران m.mohamadzadeh@cfu.ac.ir

## مقدمه

تهدید نرم، گونه‌ای از تهدید در راستای نوعی از جنگ است که به جنگ نرم شهرت دارد. در این نوع تهدید، با تأثیر بر لایه‌های شناختی فرد یا جامعه، ذهن و گرایش و رفتار شخص شکل می‌گیرد و او را در برابر تهاجم نرم، نیمه‌سخت و سخت دشمن به حالت انفعال درمی‌آورد. در جهان کنونی و با رشد دانش اطلاعات و ابزارهای رسانه‌ای جدید، این نوع از تهدید وارد مرحله‌ای جدید شده است؛ به گونه‌ای که افکار عمومی به سادگی توسط جریان استکبار مدیریت می‌شود و هرگونه صدای مخالف نیز خنثی می‌گردد.

انقلاب اسلامی از یک سو، در فرایند رشد خود، تهدیدات فراوان را تجربه کرده است. اگرچه از آغازین روزهای تولد خود مورد تهدید نرم دشمن بوده؛ اما در سال‌های اخیر این نوع از تهدیدات دامنه‌ای گسترده‌تر به خود یافته است. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ابعاد قدرت نرم بالقوه و بالفعل بسیاری دارد که برخاسته از فرهنگ اسلامی-ایرانی است. این ابعاد قدرت نرم، اگر به درستی شناخته شوند و به درستی به کار گرفته شوند، می‌توانند تهدیدات نرم دشمنان را هم خنثی کنند و هم به نوعی هر نوع تهدید را به مرجع همان تهدید برگردانند.

یکی از بسترهای بسیار مهم قدرت نرم انقلاب اسلامی که هم ابعاد بالقوه دارد و هم ابعاد بالفعل، مبدأ معرفتی آن یعنی آموزه‌های دین مبین اسلام است. این مبدأ معرفتی، ضمن تعریف تهدیدهای نرم، راهکارهای مواجهه فعال با آن را نیز به بشریت نشان داده است و مسیر تعالی او را هموار می‌سازد. در پژوهش حاضر تلاش شده است که ضمن بیان مهم‌ترین تهدیدات نرم در لایه بینشی، راهکارهای مواجهه فعال با آنان در آموزه‌های اسلامی بیان گردند. نوشتار حاضر داده‌ها را به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به صورت توصیفی-تحلیلی بررسی می‌کند و پژوهش در لایه‌های گرایشی و کنشی را به آینده می‌سپارد.

## چیستی قدرت نرم

قدرت توانایی شخص برای وادار کردن دیگران برای پذیرش خواسته‌های او را قدرت می‌نامند (نوروزی، ۱۳۸۵: ص ۵۱۸)؛ قدرت نرم به جای اجبار و توانایی جذب و انتخاب است. به عبارت دیگر، قدرت نرم شامل شکل دادن به ترجیحات دیگران از طریق جذابیت و جذب است. یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده قدرت نرم این است که اجباری نیست. قدرت نرم شامل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی است. به عبارتی، اگر قدرت اجبار را در دو سطح ظاهری و باطنی در نظر بگیریم، قدرت سخت، اجبار ظاهری و قدرت نرم، نوعی اجبار پنهانی است؛ در این حالت، فرد گمان می‌کند با اختیار خود عمل کرده است؛ در حالی که عملاً تحت تأثیر اجبار نهفته‌ای است که در پشت مقدمات متعددی از قبیل بینش و گرایش، او را به این کنش و رفتار واداشته است. بنابراین، قدرت نرم در حقیقت، قدرت بر اجبار پنهان در ضمیر ناخودآگاه افراد است.

## تکنیک‌های دشمن در حوزه بینش

### ۱. شبهه‌سازی

گسترش شک‌گرایی علیه اصل و اساس مبانی دینی از جمله روش‌هایی است که قدرت‌های شیطانی برای حیات سیاسی خود اقدام به ترویج آن در جامعه می‌کنند. نخستین شبهه‌ای هم که در خلقت مطرح شد، توسط ابلیس در باب خلقت آدم بود. ابلیس گفت آدم را از خاک آفریدی؛ ولی مرا از آتش، و آتش را هم بر خاک برتری و مزیت است و در شأن من نیست که به آدم سجده کنم (خاتمی، ۱۳۷۰: ص ۱۳۶). همچنین از جمله القائات دشمنان در نفی خدا، شبهه‌ای است که می‌گویند چون خدا با چشم سر دیده نمی‌شود، پس وجود ندارد. قرآن با اشاره به درخواست قوم موسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذْنَاكُمُ الصَّاعِقَةَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»؛ و [یاد کنید] آن‌گاه که گفتید: ای موسی! هرگز به تو

ایمان نمی آوریم تا خدا را آشکارا [با چشم خود] ببینیم. پس صاعقه مرگ بار شما را گرفت، در حالی که می دیدید» (بقره: ۵۵). این درخواست احتمالاً ناشی از جهل آن ها بوده است؛ چراکه درک افراد نادان فراتر از مشاهدات و محسوساتشان نیست و حتی می خواهند خدا را با چشم خود ببینند، و نیز ریشه در لجاجت و بهانه جویی دارد که ظاهراً از ویژگی های بارز این قوم بوده است. به هر حال، آن ها صریحاً به موسی عَلَيْهِ السَّلَام گفتند: «تا خدا را با همین چشم نبینیم، هرگز ایمان نخواهیم آورد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۵۸).

همچنین سران مشرک مکه، برای مقابله با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بازداشتن مردم از خداپرستی، از روش شبهه افکنی بهره می گرفتند؛ چنان که قرآن می فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا؛ و آنان که به دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به وسیله] ما امید ندارند، گفتند: چرا بر ما فرشتگانی نازل نشد، یا [چرا] پروردگارمان را نمی بینیم؟ به راستی که خودشان را در درون خود بزرگ شمردند و دچار سرکشی بزرگی شدند» (فرقان: ۲۱).

حاصل اعتراض آن ها این است که اگر ممکن باشد که از جنس بشر به آن جهت که بشر است، شخصی رسول شود، و ملائکه بر او وحی خدای سبحان بیاورد، و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ببینند، و با او از راه وحی سخن بگویند، باید سایر افراد بشر نیز به آن جهت که بشرند، دارای این خصایص بگردند، پس آنچه او ادعا می کند حق باشد، باید ما یا بعضی از ما نیز مانند او باشیم، و آنچه را او مدعی دیدنش است ببینیم، و آنچه او درک می کند ما نیز درک کنیم. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ص ۲۷۳).

همچنین در مقابل دعوت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به یکتاپرستی، به مردم می گفتند: «أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ؛ آیا [محمّد] معبودان [گوناگون] را معبودی یگانه قرار داده است؟ به راستی [که منحصر کردن معبودان در یک معبود] چیزی بسیار شگفت است» (ص: ۵). «عجَابٌ» به چیز بسیار عجیب گویند. برای اکثر مردم، دست برداشتن از عقاید دیرینه و توجه

به افکار جدید سخت و شگفت آور است؛ چون گاهی باطل آن چنان اوج و قدرت می گیرد که سخن حق، سخنی عجیب و غیر قابل قبول می شود (قرائتی، ۱۳۷۵: ج ۸، ص ۸۲).  
 با توجه به این آیات، تردید و شبهه افکنی در اعتقادات و توحید، یکی از شیوه های جنگ نرم است. مشرکان با این تردید افکنی های ساده توانستند مدتی مردم را از گرایش به خداپرستی بازدارند و دشمنان خدا با پراکندن شبهه میان پیروان او، خود را به عنوان حق و دوستان و اولیای خدا را به عنوان باطل جلوه دهند؛ قرآن نیز به آمیختن باطل با حق برای گمراه کردن مردم اشاره کرده است: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و حق را با باطل مخلوط نکنید [تا تشخیص دادنشان بر مردم جویای حق دشوار نشود]، و حق را [که قرآن و پیامبر است] در حالی که می دانید [و می شناسید، از مردم] پنهان نکنید» (بقره: ۴۲).  
 این خطابات متوجه رؤسای بنی اسرائیل است که شما حق را با باطل نیامیزید و چهره نورانی حقیقت را با غبار باطل نپوشانید (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۱۵۲).

#### ۱-۱. نمونه ای از شبهه در آیات و روایات

شبهه به حق شباهت دارد؛ اما در واقع حق نیست؛ به همین دلیل موجب گمراهی می شود. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «احْذَرُوا الشُّبُهَةَ؛ فَإِنَّهَا وُضِعَتْ لِلْفِتْنَةِ؛ از شبهه حذر کنید؛ زیرا به قصد فتنه و گمراهی ساخته شده است» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷، ص ۱۰۳؛ حرانی، ۱۳۹۵: ص ۲۳۳). در تاریخ اسلام و در بستر قرآن و روایات، جنگ رسانه ای دشمنان با تکنیک شبهه افکنی، بسیار اتفاق افتاده است که برخی از آنان عبارت اند از:

#### الف. کلمه مولى

در بررسی دلالت این خبر و تفسیر «مولى» به امامت، برخی از متعصبان عامه که از انکار اصل خبر عاجز مانده اند، معتقدند واژه «مولا» دلالتی بر امامت و ولایت ندارد (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲،

ص ۴۳) و آن را به معنای «محب» تفسیر می‌کنند؛ به این معنا که علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، دوستدار شما خواهد بود و مراد از کلمه «بعد»، بعدیت رتبی است که رتبه او در مقام محبت، پس از رتبه من است. بدین ترتیب، علی علیه السلام پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله، محبت مردمان را در وجود خود قرار خواهد داد (فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۱۹۷).

#### ب. عمار؛ معیار حق

معاویه پس از کشتن عمار یاسر متوجه شد که قتل عمار، لרزه بر دل بسیاری از مردم انداخته، و این فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بر سر زبان‌ها افتاده است که «یقتل عمار بن یاسر الفئة الباغية»؛ عمار را جمعیت تجاوزپیشه می‌کشند» (طبری، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۲۴۶). عمرو بن عاص به معاویه گفت مگر نه این است که پیامبر خدا فرمود: «الفئة الباغية» عمار را می‌کشند؟! معاویه به او گفت: آیا ما او را کشتیم؟ جز این نیست که چون علی بن ابی طالب او را میان تیر و سرنیزه‌های ما افکند و کشته شد؟ چون این خبر به حضرت علی علیه السلام رسید، فرمود: «اگر چنین است پس [پناه به خدا] باید بگویند پیامبر هم قاتل حمزه است که او را در میان سرنیزه‌های مشرکان انداخت» (شیخ صدوق، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۷۱). عمرو بن عاص و معاویه با فریب‌کاری، دروغ‌پردازی، مکر و حيله، کسانی را که از بینش کافی برخوردار نبودند، دچار شک و تردید می‌کردند (اسکافی، ۱۳۷۴: ص ۹۰). آن‌ها با استفاده از همین شبهه‌ها و فریب‌ها توانستند مردم را از گرد صراط مستقیم امام علی علیه السلام پراکنده سازند و به راه کج و مسیر مورد نظر خود بکشانند.

#### ج. شبهه یهودیان بعد از تغییر قبله مسلمانان

یهودیان می‌گفتند اگر بیت المقدس مقدس است و نماز به سوی آن درست بوده، اکنون نماز به سوی بیت الله الحرام نادرست است؛ و اگر اکنون عمل صحیح است، در گذشته

نادرست بوده است. شبهه افکنان با ایجاد شبهه، شنونده را در حالت تردید و سردرگمی قرار می دهند. این افراد، امر نادرست را درست و غیرحق را حق جلوه می دهند. خداوند متعال ابتدا شخصیت این افراد را مورد نکوهش قرار می دهد و آن ها را سفیه می خواند؛ سپس می فرماید هم بیت المقدس از آن خداوند است و هم بیت الله الحرام. خداوند به هر جا اراده کند اراده او حق است: «سَيَقُولُ السَّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره: ۱۴۲).

#### ۲-۱. معیار دفع شبهه

دفع شبهات کار دشواری است و نیازمند معیار محکمی است تا بتوان از دام متشابه عبور کرد. در اندیشه اسلامی، به ویژه در شیعه، اهل بیت رسول خدا ﷺ محور محکmat به شمار می آیند. در زیارت آل یاسین نیز آمده است: «فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ» (ابن مهدی، ۱۴۱۹: ص ۵۶۷؛ مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۳، ص ۱۷۲، ح ۵).

همچنین امام علی علیه السلام هنگام گماردن مالک اشتر به حکومت مصر و توابع آن، به او چنین فرمان می دهد: «وَأَرَدْتُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا يُضْلِعُكَ مِنَ الْخُطُوبِ، وَيُسْتَبِيهِ عَلَيْكَ مِنَ الْأُمُورِ؛ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِقَوْمٍ أَحَبَّ إِرْشَادَهُمْ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ؛ جایی که کارها بر تو مشکل شود و در اموری که برای شبهه حاصل گردد، حل آن را به خدا و پیامبرش ارجاع ده، که خداوند به مردمی که هدایتشان را علاقه داشت گفت: ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و پیامبر و اولی الامر را اطاعت کنید، و اگر در برنامه ای اختلاف کردید، حکمش را به خدا و رسول بازگردانید» (نهج البلاغه، نامه).



## ۲. شایعه سازی

یکی از پرکاربردترین و اثرگذارترین ابزارها در جامعه که بذر ناامیدی، یأس، بدبینی، اختلاف و تفرقه می‌کارد، شایعه سازی و شایعه پراکنی است. واژه شایعه از «شیع» به معنای انتشار و پخش است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ذیل ماده شیع) و در اصطلاح، هر گزارشی تأیید نشده یا شرح یک حادثه که آزادانه و بدون توجه به صحت یا سقم آن، از دهان به دهان می‌گردد، شایعه نامیده می‌شود (لسی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۶۴۹). ابن منظور در کتاب مشهورش، لسان العرب، معنی لغوی شایعه پراکنی را چنین بیان می‌کند:

شاع الخبر في الناس يشيع شيعاً وشيعاناً ومشاعاً وشيعوعه فهو شائع؛ به منتشر شدن و آشکار شدن خبر اطلاق می‌شود و وقتی می‌گوییم اشاعه هو و اشاع ذکر الشیء، بدین معناست که او خبر را اظهار و علنی نمود و به انتشار آن در میان مردم پرداخت. بنابراین هرگاه یک خبر به نحوی میان مردم منتشر شود که تقریباً همگان بدان مطلع شوند، به آن شایعه یا خبر شایع گویند. «الشاعه» به مجموعه‌ای از اخبار منتشر شده اطلاق می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۸، ص ۱۹۱، ماده شیع).

## اهداف شایعه

شایعه، ابزاری برای نابودی روحیه ملت‌هاست که معمولاً دو هدف را دنبال می‌کند: نخست، فلج کردن اندیشه انسان و مطیع ساختن او؛ و دوم، واداشتن انسان به تکرار سخن، همچون طوطی، بی‌آنکه بداند چه می‌گوید و از چه چیزی سخن به زبان می‌آورد (نصر، ۱۳۸۷: ص ۲۹۳). این شایعات از طریق مطبوعات، رادیو، تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی منتشر می‌شوند. گاهی شایعات حاوی بخشی از واقعیت یا مبتنی بر حقیقتی هستند؛ اما نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد؛ زیرا در بیشتر موارد، شایعه صرفاً

جعل خبر است و مروجان آن، برای کمک به دشمن و به عنوان بخشی از جنگ کلمات، از آن بهره می‌برند (نصر، ۱۳۸۷: ص ۹۴).

یکی از اهداف اصلی شایعۀ پراکنان، دلسرد کردن مردم و افزایش نگرانی در میان آن‌ها است تا گروه‌ها و دولت‌های هدف را از صحنه خارج کنند. هدف دیگر آن‌ها، جبران شکست‌های شخصی و پروراندن بدبینی و سوءظن نسبت به نیروهای اصیل کشور، ملت، دولت و نیروهای مسلح است؛ به طوری که شایعات، این بدبینی و سوءظن را نسبت به کسانی که در پیشبرد اهداف کشور و دین تلاش می‌کنند، افزایش می‌دهد و از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند. از دیگر اهداف شایعۀ پراکنان، ایجاد ترس و وحشت در جامعه است، به مصداق ضرب‌المثل «ترس برادر مرگ است»، تا مردم را با رعب و وحشت به پذیرش ذلت و اهانت وادارند (متفکر، ۱۳۹۰: ص ۱۱۸). از نظر زمان، شایعات به سه دسته تقسیم می‌شوند: شایعۀ خزنده، شایعۀ خشونت‌بار و شایعۀ فروشونده (مهدیان، ۱۴۰۰: ص ۲۹-۳۳).

### ۳. عرفی‌سازی

یکی از شیوه‌های متقاعدسازی مخاطب، استفاده از تکنیک عرفی‌سازی است. در این روش، با استفاده از زبان، عادات، آداب و حتی پوشش مردم عادی در ارتباطات رو در رو، می‌کوشند خواسته و موضع خود را هماهنگ با ذائقۀ عموم جامعه عرضه کنند. این تکنیک به‌ویژه در مواردی که مخاطبان نسبت به زبان و آداب معاشرت رسمی یا روشنفکرانه بدبین‌اند، تأثیرگذاری بیشتری دارد.

در فارسی، اصطلاح «عرفی شدن دین»، معادل «سکولاریزاسیون» است که به معنای قداست‌زدایی و دیانت‌زدایی است (بیات، ۱۳۹۸: ص ۳۲۷). به طور کلی، می‌توان اثر رسانه

بر عرفی شدن فرهنگ را به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. در مواردی که فعالیت رسانه به طور بی واسطه باعث عرفی شدن فرهنگ می شود، اثرگذاری آن مستقیم است؛ اما گاهی فعالیت رسانه به طور مستقیم در عرفی شدن فرهنگ مؤثر نیست؛ بلکه شرایط و زمینه هایی ایجاد می کند که نهایتاً به عرفی شدن فرهنگ منتهی می شوند. نیل پستمن<sup>۱</sup> این محدودیت رسانه ای را به ویژه در زمینه فعالیت های دینی تلویزیون، چنین توضیح می دهد: هیچ یک از بنیان گذاران مذهبی، نه موسی علیه السلام، نه عیسی علیه السلام و نه محمد صلی الله علیه و آله و نه حتی بودا و لوتر، هرچه را مردم می خواستند به آنان هدیه نمی کردند؛ بلکه چیزی را عرضه می داشتند که برایشان ضروری و مفید بود؛ اما تلویزیون، این وظیفه و مسئولیت را ندارد که آنچه مردم بدان نیازمند هستند و برای آن ها ضروری و مفید هستند، به آن ها عرضه کند؛ زیرا تلویزیون، دوستدار مصرف کننده است (عباسی، ۱۳۸۲: ص ۹۱).

مکانیسم عرفی شدن ارزش ها توسط رسانه، حتی در عصر نبوی صلی الله علیه و آله نیز به همین شکل عمل می کرد و جریان رسانه ای نه آنچه مردم نیاز دارند، بلکه آنچه دوست دارند، به آنان ارائه می دهد. بارزترین نمونه در عملکرد مشرکان نسبت به تازه مسلمانان را می توان در وعده ها و شکنجه ها مشاهده کرد که اوج آن در شهادت یاسر و سمیه متجلی شد. از دیگر اهداف جنگ رسانه ای در سطح عرفی سازی، می توان به تقدس زدایی از عناصر فرهنگ دینی و برجسته سازی گروه های مرجع عرفی به منظور کاهش مرجعیت دینی اشاره کرد (ترنر، ۱۳۷۸: ص ۱۹۴). گروه های مرجع می توانند بر گروه های مختلف اجتماعی، اثرگذار باشند؛ ولی جوانان و نوجوانان، بیشترین اثرگذاری را از گروه های مرجع می پذیرند. نفوذ گروه های مرجع در جوامع مختلف، متفاوت است و میزان نفوذ این گروه ها، به شرایط فرهنگی حاکم بر جوامع بستگی دارد.

---

1. Neil Postman

#### ۴. بدعت

واژه «بدعت» مصدر از ریشه «بدع» و به معنای نوآوری و پدید آوردن چیزی است؛ بدون آنکه از پیش، وجود داشته باشد و آفرینش یابد، یا یادکردی از آن شده باشد، یا شناختی نسبت به آن حاصل شده باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۵۴، ماده بدع). در اصطلاح، بدعت به امر تازه‌ای گفته می‌شود که اصلی در کتاب و سنت ندارد (طریحی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۱۶۴)؛ به عبارت دیگر، بدعت آن است که کسی گفتاری یا کرداری در دین وارد کند و در گفتار و کردار خویش به صاحب شریعت و نمونه‌های متقدم و اصول محکم دینی استناد نرزد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۳۹).

یکی از آفات و آسیب‌های مهمی که جریان‌های فکری و فرهنگی به ویژه ادیان و شریعت‌های الهی را در طول تاریخ با مشکلات روبه‌رو ساخته، بدعت و جریان‌های بدعت‌گذار بوده است. بدعت با ایجاد تردید در باورهای مردم، زمینه‌ساز پیدایش فرقه‌ها و جریان‌های باطل می‌شود و در نهایت، به ناکارآمدی دین در نگاه پیروان و گریز از آن می‌انجامد. اسلام، به ویژه مکتب آسمانی اهل بیت علیهم‌السلام همواره در طول تاریخ با بدعت و بدعت‌گذاری مواجه بوده است. از این رو بر مرزبانان اندیشه ناب اسلامی لازم است که با هوشیاری، از ارزش‌های اسلام مراقبت کنند و مانع بروز و ظهور بدعت‌ها در عرصه دینی و سیاسی شوند.

#### ۴-۱. بدعت از منظر قرآن کریم

واژه «بدع» و مشتقات آن چهار بار در قرآن کریم به کار رفته است: دو مرتبه با تعبیر «بدیع» در آیه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ نوپدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است» (بقره: ۱۱۷) به معنای مُبدِع و درباره خداوند متعال؛ همچنین یک مرتبه با تعبیر «بدع» در آیه «قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ» (احقاف: ۹) درباره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ و یک مرتبه نیز با واژه «ابتداع» در آیه «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا» (حدید: ۲۷) درباره نصاری. در سه مورد نخست، مراد از بدعت معنای لغوی آن

است؛ اما در مورد چهارم، یعنی آیه ۲۷ سوره حدید، دو دیدگاه مطرح است که براساس یکی از آن‌ها، واژه در معنای اصطلاحی و محترم بدعت به کار رفته است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۴، ص ۳۳۸؛ سبحانی، ۱۴۱۶: ص ۱۳، ص ۳۳).

#### ۴-۲. بدعت از منظر احادیث و روایات

جهان اسلام همواره مورد تهاجم رسانه‌ای دشمن بوده و دشمن، به ویژه یهودیت تلاش کرده است با ایجاد بدعت، مسیر اسلام را تغییر دهد. در برخی از روایات، نوآوری‌های دینی را بدترین امور توصیف کرده و آن‌ها را به بدعت، تفسیر کرده‌اند (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ج ۱۱، ص ۴۸۳)، مانند این روایت: «شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلُّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ؛ بدترین کارها، نوساخته‌هاست» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ج ۱۱، ص ۴۶۸). عبارت «مُحَدَّثَاتُ الْأُمُور»، به اموری گفته می‌شود که نه در قرآن آمده باشد، نه در سنت، و نه اجماعی بر آن شده باشد؛ آیین نو و رسم تازه و بی سابقه در دین. هر نوساخته‌ای، بدعت است و هر بدعتی، گمراهی است. همچنین، بدعت به نوآوری در دین پس از پیامبر ﷺ تفسیر شده است. در روایتی امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «السُّنَّةُ مَا سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ، وَالْبِدْعَةُ مَا أُحْدِثَ مِنْ بَعْدِهِ؛ سنت، آن چیزی است که پیامبر خدا ﷺ وضع کرده باشد و بدعت، آن چیزی است که پس از او پدید آمده شود» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ج ۱۱، ص ۴۶۸). این روایت، هرگونه نوآوری دینی پس از پیامبر ﷺ را بدعت می‌داند و آن را ممنوع اعلام می‌کند. بر این اساس، بدعت به نوآوری‌هایی اطلاق می‌شود که برخلاف فرمان خداوند متعال در قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ او باشد و بر پایه رأی و هوس شکل گیرد: «وَأَمَّا أَهْلُ الْبِدْعَةِ فَالْمُخَالَفُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَالْعَامِلُونَ بِرَأْيِهِمْ وَأَهْوَائِهِمْ وَإِنْ كَثُرُوا؛ اهل بدعت، کسانی هستند که با فرمان خدای متعال و با کتاب او و پیامبرش، مخالفت بورزند و براساس رأی و گرایش خود، عمل می‌کنند، هر چند شمارشان بسیار باشد» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ج ۱۱، ص ۴۷۰).

#### ۳-۴. عوامل پیدایش بدعت در اسلام

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا برخی به چنین کاری دست می‌زنند و انگیزه بدعت‌گزار از بدعت چیست. اسباب و انگیزه‌های بدعت متعدد است که در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

##### تقدس جاهلانه

یکی از عوامل و اسباب پیدایش بدعت، تقدس جاهلانه برخی مقدس‌مآبان بود؛ افرادی که از سر ناآگاهی، اعمالی را انجام می‌دادند و آن‌ها را به شرع نسبت می‌دادند، به عنوان نمونه:

۱. عثمان بن مظعون از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که روزها روزه می‌گرفت، شب‌ها هم عبادت می‌کرد، خود را به زحمت انداخته بود و با همسرش نزدیکی نمی‌کرد. همسرش جریان را به عرض پیامبر صلی الله علیه و آله رساند. پیامبر صلی الله علیه و آله عثمان بن مظعون را خواست و فرمود این چه کاری است که تو می‌کنی؟! من، با آنکه پیامبر و رهبر شما هستم، شب می‌خوابم و با همسر خود نزدیکی می‌کنم (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۰۷). عثمان بن مظعون از سر ناآگاهی می‌پنداشت این‌گونه رفتار بسیار پسندیده است؛ از این رو، جهل او را به سوی بدعت سوق داده بود.

۲. در آیه اول سوره مبارکه حجرات خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ ای افراد باایمان، بر خدا و بر پیغمبر پیشی نگیرید». مراد از «لَا تَقْدِمُوا» این نیست که در راه رفتن بر پیامبر صلی الله علیه و آله پیشی نگیرند؛ بلکه مراد این است که در اندیشه و عقیده پیشی نگیرید. در شأن نزول این آیه نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز دهم از سال هشتم هجرت در ماه مبارک رمضان از مدینه به قصد فتح مکه حرکت کردند. در میان سپاهیان ایشان، سواره و پیاده، فراوان بود. هنگامی که به نقطه‌ای به نام «کراع الغمیم»

رسیدند، کاسه آبی خواستند و آن را در بین نماز ظهر و عصر نوشیدند و امر کردند که دیگران نیز روزه خود را بشکنند؛ ولی گروهی به خیال اینکه روزه در سفر که با رنج بیشتری همراه است، ثواب فزون‌تری دارد، از شکستن روزه خودداری کردند. رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «آنان گناهکارند» (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۴، ص ۱۲۷، ح ۵).

### تعصب‌های ناروا

عامل دوم پیدایش بدعت، تعصب‌های ناروای بدعت‌گذار نسبت به عقاید موروثی از نیاکان است که در میان آنان زندگی کرده است و سبب می‌شود که عده‌ای خود را به گناه آلوده کنند. این عامل مثل عامل اول نیست که جاهلانه باشد؛ بلکه عالمانه است و با کمال آگاهی این بدعت را ایجاد می‌کنند. نمونه‌ای از این امر را می‌توان در ماجرای فتح طائف مشاهده کرد. پس از فتح مکه، پیامبر اکرم ﷺ برای گشودن طائف رهسپار آنجا شد؛ اما به سبب وجود دیوارهای بلند پیرامون شهر، از فتح آن منصرف گردید و به مدینه بازگشت. مردم طائف بازرگان بودند و چون دیدند سراسر شبه جزیره عربستان اسلام آورده است، آنان نیز تصمیم به مسلمان شدن گرفتند؛ از این رو، هیئتی با عنوان نمایندگان طائف به حضور رسول خدا ﷺ اعزام کردند و خواستار پیوستن به مسلمانان شدند؛ با این حال، به پیامبر ﷺ اظهار داشتند که باید میان ما و شما پیمانی منعقد شود. پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام فرمودند: علی جان! سخن آنان را بشنو و مفاد پیمانشان را بنویس تا آن را امضا کنم. نمایندگان طائف گفتند: ما حاضریم اسلام بیاوریم؛ مشروط بر اینکه: اولاً، ربا که در اسلام حرام است برای ما حلال باشد؛ ثانیاً، زنا آزاد باشد؛ ثالثاً، وجوب نماز از ما برداشته شود؛ رابعاً، تا یک سال و نیم بت خانه‌های ما برای زنان سر پا باشد.

امام علی علیه السلام از نگارش این شروط نامشروع خودداری کرد؛ بنابراین، آنان از فردی اموی خواستند مفاد شروط را بنویسد و سپس نوشته را به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ یک از آن شرایط را نپذیرفت و در پاسخ به شرط نخست، مبنی بر حلال بودن ربا، فرمودند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۸)؛ در برابر شرط دوم که آزادی عمل جنسی زنان بود، فرمودند: «وَلَا تَقْرُبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً» (اسراء: ۳۲)؛ در جواب این شرط که نماز بر آن‌ها واجب نباشد، فرمودند: «لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا صَلَاةَ فِيهِ» (ابن اثیر، ۱۳۸۷: ص ۲۱۶) و در مقابل شرط چهارم فرمودند: اصل این شرط قابل ذکر نیست، چون اصلاً هدف من برچیدن بت خانه‌ها است. در نهایت، نامه را پاره کردند و دور انداختند (سبحانی، ۱۴۲۱: ص ۱۰۹).

در عصر نبوی به علت اینکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله حضور فیزیکی در جامعه داشتند، دشمنان اسلام فرصت چندانی برای ایجاد بدعت نیافتند و بیشتر بدعت‌ها در اسلام، بعد از رحلت آن حضرت ایجاد شد.

### تحریف واقعیت

تحریف از ریشه «حرف» به معنای گوشه، کنار و طرف است (جوهری، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۱۳۴۲). خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ» (حج: ۱۱). بر این اساس، تحریف گفتار آن است که با تغییر و جابه‌جا کردن کلمات و جملات یا تفسیر نادرست، مفهوم مورد نظر متکلم را از بستر صحیح و مطلوب خارج ساخته، به مفهومی کناره‌بکشانده که در حاشیه معنای اصلی جای داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ص ۱۵-۱۶). اما در اصطلاح به هفت معنا آمده است: تحریف معنوی (مفاد کلام)، تحریف موضعی، تحریف در قرائت قرآن، تحریف در چگونگی ادای کلمات، تحریف به تبدیل کلمه، تحریف به زیادت، تحریف به کاستی (معرفت، ۱۳۹۶: ص ۲۵-۲۳).



در جریان قدرت نرم، برای تحریف واقعیت‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های متعددی به کار گرفته می‌شود. ازجمله این تکنیک‌ها می‌توان به استفاده از توازن دروغین (مخالف قوی و موافقی ضعیف)، جابه‌جایی اصل و فرع، جابه‌جایی تقدم و تأخر، و بهره‌گیری از کارشناسانی که اظهار نظرهای غیرکارشناسی می‌کنند، اشاره کرد. زاویه دید در روایت و گزارش اهمیت زیادی دارد؛ به طور مثال، در اعتراضات فلسطینی‌ها به اشغالگری‌های اسرائیل، محل و جهت قرارگیری دوربین نقش مهمی در بازنمایی رخدادها ایفا می‌کند. در این میان، گزینشگری یا دروازه‌بانی موضوعات، جملات، واژه‌ها و کارشناسان نیز جایگاه مهمی دارد. مدیریت و چینش تصاویر، تکرار موضوعات غلط و نادرست در قالب‌های گوناگون و به صورت مستمر، بمباران اطلاعاتی، به حاشیه بردن یک موفقیت از طریق برجسته کردن خبری دیگر، و نیز بازنمایی صفر و یکی سایر رویدادها، ازجمله تاکتیک‌های دشمنان به شمار می‌رود.

تمام تاکتیک‌ها و تکنیک‌هایی که در جنگ روانی و جنگ روایت‌ها وجود دارد، می‌تواند در جریان تهدید نرم و بارویکرد تحریف مورد استفاده قرار گیرد. یکی از گروه‌هایی که در تحریف حقایق آسمانی، پیشینه‌ای طولانی و کم‌نظیر داشته‌اند، قوم یهود است؛ چنان‌که در چند موضع از قرآن کریم به این اقدام ناپسند آنان اشاره شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۴، ص ۴۰).

##### ۵. مستندسازی (گواهی)

اقناع نقطه اوج مبحث ارتباطات است. مصدر آن قناعت است که به معنای بسندگی، سیری، اشباع، بی‌نیازی و به ثمر رسیدن و کامل شدن است؛ ویژگی‌هایی که همگی نشانه پیروزی و رضایت‌مندی‌اند. به طور کلی، اقناع هدف اساسی و غایی تمامی رفتارهای ارتباطی است. ارتباط موفق و مؤثر، ارتباطی است که به نتیجه دلخواه، یعنی اقناع، منتهی

شود؛ در این صورت می‌توان آن را ارتباط متعالی نامید. هنگامی که پیامی ارسال می‌شود، مخاطبان در واکنش به آن، سه نوع حالت دارند: رد و نفی، بی‌تفاوتی و خنثی بودن، یا پذیرش و رضایت‌مندی. وقتی پذیرش رخ دهد، می‌توان گفت که گیرنده و مخاطب اقناع شده است.

اقناع به عنوان فرایندی ارتباطاتی تعریف می‌شود که طی آن یک منبع، شواهد و نتایجی را ارائه می‌دهد و هدف اصلی آن غالب آمدن بر دریافت‌کننده و ایجاد تغییر در اوست. در فرایند اقناع، هدف ما ترغیب مخاطب است؛ ترغیب به معنای فراهم کردن زمینه، آماده‌سازی، انگیزه‌سازی و برانگیختن مخاطبان برای تحقق اهداف عمدتاً تبلیغی است. ابزارهای ترغیب شامل شعر، موسیقی، آواز، دکور، آمار و ارقام و امثال آن است. تکنیک گواهی یا استناد نیز عبارت است از آنکه فردی مورد احترام یا منفور، فکر یا برنامه یا سیاست معینی را تأیید یا نفی کند.

گواهی انبیا بر پیمان‌های گرفته‌شده از آنان درباره پیامبر اسلام ﷺ و تحمل و ادای شهادت از سوی آنان درباره یاری یکدیگر، امری واجب است: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَفَرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ؛ و [به خاطر بیاورید] هنگامی را که خداوند، از پیامبران [و پیروان آن‌ها]، پیمان مؤکد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس [خداوند] به آن‌ها گفت: آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکد بستید؟ گفتند: [آری] اقرار داریم! [خداوند به آن‌ها] گفت: پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم» (آل عمران: ۸۱).

شهادت چهار مرد مسلمان، برای اثبات فحشای زنان لازم است: «وَاللَّائِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ

الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا؛ و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را به عنوان شاهد بر آنها بطلبید! اگر گواهی دادند، آنان [= زنان] را در خانه‌ها [ی خود] نگاه دارید تا مرگشان فرارسد؛ یا اینکه خداوند، راهی برای آن‌ها قرار دهد» (نساء: ۱۵). مفسران روایتی نیز نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ وقتی آیه تازیانه در اوّل سورۀ نور نازل شد، فرمود: «این همان راه علاج و سبیلی است که خدای تعالی در آیه پانزده سورۀ نساء وعده‌اش را داده است». همچنین گواهی، طریق و راه معتبری برای اثبات مدعا، در دین یعقوب علیه السلام بوده است: «اِذْجِعُوا إِلَىٰ أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمَنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ\* وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ؛ شما به سوی پدرتان بازگردید و بگویید: پدر [جان]، پسرت دزدی کرد! و ما جز به آنچه می‌دانستیم گواهی ندادیم؛ و ما از غیب آگاه نبودیم! [و اگر اطمینان نداری] از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن، و نیز از آن قافله که با آن آمدیم [پرس]! و ما [در گفتار خود] صادق هستیم!» (یوسف: ۸۱-۸۲).

در جنگ رسانه‌ای، مستندسازی را می‌توان از دو منظر حق و باطل بررسی کرد. جبهه حق با ارائه حقایق و مستندات، به منظور اقناع افکار عمومی تلاش می‌کند؛ در حالی که جبهه باطل با انتشار اخبار نادرست و مستندات جعلی، به اثبات ادعای خود و انحراف افکار عمومی می‌پردازد.

## راهکارهای فقه شیعه برای مقابله

### ۱- بصیرت بخشی

«بصیرت» در لغت به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۶۵، واژه بصیر) و در اصطلاح، عبارت است از قوه‌ای در قلب که به نور الهی نورانی بوده و به وسیله آن حقایق اشیا و امور را درک می‌کند؛ همان طور که شخص به وسیله چشم، صور و ظواهر اشیا را می‌بیند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۹: ج ۶، ص ۲۶۳).

مقام معظم رهبری بصیرت را با تعبیری زیبا و ناب، لازمه شناخت هدف، تشخیص راه صحیح، رسیدن به مقصد، شناسایی دشمن و موانع راه، و همچنین آگاهی از روش های رفع این موانع دانسته اند و فرموده اند: «بصیرت قطب نمای حرکت بسیج در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است؛ به گونه ای که اگر کسی این قطب نما را نداشت و نقشه خوانی بلد نبود، ممکن بود ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند» (خامنه ای، ۱۳۸۸). خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ؛ آیا در زمین گردش نکرده اند تا برای آنان دل هایی [بیدار و بینا] پیدا شود که با آن بیندیشند یا گوش هایی که با آن [اندرزها را] بشنوند؟ حقیقت این است که دیده ها کور نیست، بلکه دل هایی که در سینه هاست، کور است!» (حج: ۴۶).

### عوامل بصیرت را

#### تفکر در آفاق

قرآن یکی از عوامل ایجاد بصیرت را تفکر در آفاق معرفی می کند و می فرماید: «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ \* تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ؛ و زمین را گسترش دادیم و در آن کوه های عظیم و استوار افکندیم و از هر نوع گیاه بهجت انگیز در آن رویاندیم تا وسیله بینایی و یادآوری برای هر بنده توبه کاری باشد» (ق: ۷-۸).

#### تفکر در آنفس

یکی دیگر از مسیرهایی که انسان را به «بصیرت» هدایت می کند، اندیشیدن درباره خویشتن است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؛ و در وجود خود شما [نیز آیاتی است] آیا نمی بینید؟» (ذاریات: ۲۱).

### دشمن شناسی

دشمن شناسی و بصیرت افزایی یکی از ضرورت های جامعه امروز است. مفهوم بصیرت افزایی در دشمن شناسی نهفته است و تنها راه جلوگیری از تهاجمات دشمن، پیروی از اهداف انقلاب است. شناختن و درک نکردن مفهوم بصیرت افزایی، به معنای گشودن درهای نفوذ دشمن در تمامی عرصه های فرهنگی و اجتماعی است. در چنین شرایطی، دشمن می تواند با حربه های پنهان، اهداف خود را از طریق تأثیرگذاری بر افکار اقشار مختلف جامعه پیش ببرد. بر همین اساس، دشمنان انقلاب اسلامی برای تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران، تهاجمات فرهنگی را آغاز کرده اند و تمام توان خود را معطوف منحرف کردن ذهن نوجوانان و جوانان به هرزه پویی و ایجاد شبهات فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه کرده اند. در فرایند بصیرت افزایی و شناخت مؤلفه ها، حرکت بر اساس معیار مشخص اهمیت دارد تا معیارگرایی جایگزین شخص گرایی، و حق گرایی جای مصلحت گرایی، و تعقل گرایی جایگزین احساس گرایی شود. در این مسیر، شناخت مؤلفه های بصیرت، به ویژه جبهه شناسی و جریان شناسی، امری ضروری است (رشوند، ۱۳۸۸: ص ۱۶).

### ارائه برهان حسی

یکی از روش هایی که نقش بسزایی در تقویت بصیرت دارد، ارائه برهان حسی است؛ برهانی که شخص آن را به طور عینی و با گوشت و پوست خود تجربه کرده باشد. همان طور که در قرآن کریم در سوره یس آمده است، مرد عرب مشرکی استخوان پوسیده ای را به خدمت پیامبر ﷺ آورد. این مرد، که ابی بن خلف، یا عاص بن وائل، یا امیه بن خلف نام داشت، قطعه استخوان را در دست گرفته و می گفت: «با این دلیل محکم به مخاصمه با محمد می روم و سخن او درباره معاد را باطل می کنم». نزد پیامبر ﷺ آمد و صدا زد: «قَالَ مَنْ يُخَيِّبُ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ؟» گفت: چه کسی این استخوان ها را در حالی که پوسیده اند، زنده

می‌کند؟» (یس: ۷۸). کدام عقل چنین ادعایی را باور می‌کند؟ شاید در همان حال، برای تأکید سخنان خود، بخشی از آن استخوان را نرم کرده و روی زمین ریخت. قرآن سپس به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد تا پاسخی قاطع از طرق مختلف به او و امثال او بدهد. یکی از این پاسخ‌ها، مسئله آفرینش نخستین است که قرآن به طور کوتاه و جذاب بیان کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۴، ص ۱۱۲): «قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد، زنده‌اش می‌کند، و او به هر چیزی داناست» (یس: ۷۹).

### ۱- بیان سرنوشت کافران

یکی از راه‌هایی که می‌تواند تأثیر بسزایی در مقابل حملات روانی رسانه‌ای دشمن داشته باشد، عبرت‌گیری و تبیین سرگذشت افراد کافر است. «عبرت» واژه‌ای است که در حوزه تربیت، کاربرد گسترده‌ای دارد. همه ادیان الهی و مکاتب تربیتی، پیروان خود را به درس‌آموزی از سرگذشت پیشینیان و مقایسه موقعیت خود با آنان دعوت می‌کنند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۸۲ نهج‌البلاغه چنین می‌فرماید: «وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ، وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ؛ هر که به دیده عبرت به آن [دنیا] نگریست، او را بینا کرد، و هر کس به چشم خریداری به آن نظر نمود، او را به نابینایی دچار ساخت».

عبرت‌انگیزی از جمله عوامل کسب بصیرت و بینش است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً تَفَكَّرَ فَأَعْتَبَرَ وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ؛ خدا رحمت کند بر کسی که بیندیشد و عبرت گیرد و چون عبرت گرفت، دیده دلش گشوده شود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۳). در اندیشه مولای متقیان علیه السلام بصیر کسی است که همواره در پی عبرت‌گیری است: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ؛ همانا انسان بصیر کسی است که شنید و اندیشه کرد

و از عبرت‌ها سود برد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳). در نگاه ایشان مؤمن واقعی کسی است که نگاهش به دنیا، نگاه پندگیرانه و عبرت‌آموز باشد: «الْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْاِعْتِبَارِ؛ مؤمن با چشم عبرت‌آموزی به دنیا نگاه می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۱). در واقع، این شیوه تربیتی اسلام است. امام علی علیه السلام در جای دیگری می‌فرماید: «إِنَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَعِبْرَةً لِّذَوِي اللَّبِّ وَالْاِعْتِبَارِ؛ به راستی که در هر چیزی برای خردمندان و پندگیران، پند و عبرتی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۱). به تعبیر حضرت، در هر پندی بینش و بصیرتی نهفته است: «فِي كُلِّ اِعْتِبَارٍ اِسْتِبْصَارٌ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۱). قرآن کریم کلمه «عبرت» و «اعتبار» را هفت مرتبه به کار برده و اهل بصیرت را بر توجه به آن تشویق کرده است: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْاَبْصَارِ؛ عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت» (حشر: ۲)؛ در جای دیگر نیز هدف از بیان داستان‌ها و وقایع تاریخی را عبرت‌پذیری می‌داند: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِيَ الْاَلْبَابِ؛ در سرگذشت آنان، عبرتی برای صاحبان اندیشه بود» (یوسف: ۱۱۱). حضرت علی علیه السلام که خود «قرآن ناطق» است، با اشاره به برنامه عبرت‌آموزی قرآن می‌فرماید: «تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَاعْتَبِرُوا بِهِ فَإِنَّهُ أَبْلَغُ الْعِبَرِ؛ در آیه‌های قرآن بیندیشید و به وسیله آن‌ها پند بگیرید؛ زیرا آیات قرآن رساترین عبرت‌هاست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۲۸۴).

## ۲- ترویج نگاه توحیدی

انسان در پرتو شناخت خدا و عنایت او، نه در غفلت و بی‌خبری، و در مسیر عمل و فعالیت، نه صرف اندیشه و نظر محض، ساخته می‌شود. همچنین او در ضمن عمل اجتماعی و همراه با جامعه توحیدی رشد می‌یابد، نه در انزوا از قافله اهل توحید. بنابراین، انسانی که اندیشمند و خداشناس است اما از جامعه توحیدی جداست، انسانی ناقص

محسوب می‌شود. در حقیقت، معنای «ایاک نعبد»، این است: «خدایا! ما مردم جامعه توحیدی در حرکتی هماهنگ، همه با هم به سوی تو و گوش به فرمان تو، در مسیر پرستش توروان هستیم» (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲۶، ص ۱۰۶-۱۰۷). این حقیقت ناگوار قابل انکار نیست که امروزه، توان ما در دفاع جانانه از مکتب توحیدی و همچنین فرصت ما در الگوسازی برای دیگر جوامع، محدودتر شده است.

### آثار و کارکرد توحید

آثار و کارکرد نگاه توحیدی در برابر تهدید نرم دشمن عبارت‌اند از:

#### اقتدار اجتماعی و استکبارستیزی

جامعه توحیدی که تنها خداوند را می‌پرستد و تنها به رضایت او می‌اندیشد، مخاطب ندای الهی است. چنین جامعه‌ای از هیچ قدرتی هراس ندارد (آل عمران: ۱۳۹). توحید عبادی و اخلاص، شرط لازم برای ایجاد چنین اقتداری در جامعه است (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۶۶، ص ۲۸۵). مطابق آیات قرآن کریم، حضرت هود علیه السلام قوم خود را به توحید عبادی و استغفار از شرک و بازگشت به خدا دعوت کرد و یکی از کارکردهای آن را افزایش قدرت آن‌ها می‌داند: «وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ \* يَا قَوْمِ لَا أَشْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ \* وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود: ۵۲-۵۰). در نتیجه این اقتدار، چنین جامعه‌ای سر تعظیم در برابر هیچ مستکبری خم نخواهد کرد؛ اگر تنها خداوند را بنده است، پس در برابر غیر خدا، احساس آزادی می‌کند و هرگز تحت سیطره مستکبران قرار نخواهد گرفت. خداوند یار موحدان



استکبارستیز است و اصحاب کهف نمونه‌ای بارز از این جمع بودند. آن‌ها هرگز حاضر نشدند دست از توحید عبادی بردارند و بر این اساس، برای رهایی از سلطه مستکبران حرکت کردند.

### وحدت میان اقوام و ملت‌ها

یکی از نگرانی‌های رهبران جوامع، یافتن یا ایجاد محورهایی است که بتوانند براساس آن در جامعه، وحدت و همدلی ایجاد کنند، تا به اجتماعی دارای یک هویت خاص و ویژه دست یابند. حکومت‌ها در این مسیر، مفاهیمی چون «وطن»، «زبان» و «نژاد» را تقویت می‌کنند و سبک زندگی جامعه را براساس آن‌ها شکل می‌دهند؛ اما از آنجا که این مفاهیم اعتباری‌اند و ارزش حقیقی ندارند، گاه‌گاهی شعله‌ی یک اختلاف جدید روشن می‌شود و پایه‌های وحدت جامعه را برهم می‌ریزد. در جامعه‌ای که فقط خداوند پرستش می‌شود، رنگ و نژاد و قبیله بی‌ارزش است (حجرات: ۱۳). در نگاه توحیدی، ارزش زمین خداوند به عبادت اوست (عنکبوت: ۵۶). در سایه نگاه توحیدی و پرستش خدای یگانه، نه تنها یک ملت، بلکه همه موحدان می‌توانند در برابر مشرکان، صف واحدی باشند (آل عمران: ۶۴). در نتیجه، هنگامی که نگاه توحیدی در سطح بینشی جامعه جریان یابد، توطئه‌های دشمنان در عرصه رسانه‌ای، باهدف ایجاد اختلاف و کاستن از اقتدار جامعه اسلامی، خنثی خواهد شد.

### اطمینان به نصرت الهی

نصرت مؤمنین بخشی از سنت‌های الهی است که در قرآن برای افراد و اجتماع مؤمنان بیان شده است. مسئله حضور قرآن در صحنه زندگی مسلمانان، مسئله‌ای است که همیشه فکر مصلحان اسلامی را به خود مشغول کرده است. اگر به قرآن ایمان داریم و می‌دانیم

که از سوی خداست و تمام گفته‌هایش صحیح است، باید به تمامی مضامین آن عمل کنیم. قرآنی که تنها بخشی از آن در حوزه فردی اجرا شود، نمی‌تواند سعادت جمع را تأمین کند. قرآن باید در زندگی فردی و اجتماعی جاری شود و از دستورالعمل‌های آن به عنوان تنها مرجع سعادت دنیوی و اخروی بهره گرفت. تکیه بر وعده نصرت الهی، همان نکته‌ای است که باید در متن زندگی به آن تمسک جست.

مسئله انقلاب اسلامی، مسئله اعتماد به وعده‌های الهی بود. تجربه اعتماد به وعده نصرت الهی در انقلاب، نشان داد که سنت‌های الهی در قرآن حقیقتی است که در فضای عینی زندگی قابل لمس کردن است. یکی از آیات الهی این است که اگر برای خدا کار کنید، خدا به شما کمک خواهد کرد: «وَلْيَنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» (حج: ۴۰).

### نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی در مسیر رشد خود با تهدیدات متعددی مواجه شده است. اگرچه از نخستین روزهای خود در معرض تهدید نرم دشمن قرار داشت، اما در سال‌های اخیر این تهدیدات دامنه‌ای گسترده‌تر یافته است. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی از ابعاد بالقوه و بالفعل قدرت نرم بسیاری برخوردار است که ریشه در فرهنگ اسلامی-ایرانی دارد. یکی از بسترهای بسیار مهم قدرت نرم انقلاب اسلامی که هم ابعاد بالقوه دارد و هم ابعاد بالفعل، مبدأ معرفتی آن، یعنی آموزه‌های دین مبین اسلام است. تکنیک‌های دشمن در جنگ نرم در حوزه‌های مختلف، به ویژه در حوزه بینشی، شامل شبهه‌سازی، شایعه‌سازی، عرفی‌سازی، بدعت‌آفرینی و مستندسازی است. در مقابل، در قدرت نرم انقلاب اسلامی راهکارهایی برای مقابله با این جنگ ارائه شده است، از جمله بصیرت‌بخشی، بازخوانی سرنوشت کافران و ترویج نگرش توحیدی.

## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابوالکرم محمد (۱۳۸۷ش)، أسد الغابه في معرفة الصحابة، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: نشر الأعلام الإسلامي.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن مشهدی، ابوعبدالله محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار الکبیر، تحقیق: قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- اسکافی، ابوجعفر محمد بن عبدالله (۱۳۷۴ش)، المعیار والموازنة في فضائل الإمام أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- بیات، عبدالرسول (۱۳۹۸ش)، فرهنگ واژه‌ها، تهران: انتشارات سمت.
- ترنر، جانانان (۱۳۷۸ش)، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، مترجمان: محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم ودررالکلم، قم: دار الکتب الإسلامي.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳ش)، نزاهت قرآن از تحریف، قم: انتشارات اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۸۷ش)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، چ ۴، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسایل الشیعة، چ ۱۰، قم: آل البيت لإحياء التراث.
- حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۳۹۵ش)، تحف العقول عن آل الرسول، چ ۶، ترجمه احمد جنتی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خاتمی، احمد (۱۳۷۰ش)، فرهنگ علم کلام، تهران: انتشارات صبا.

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸)، بیانات در دیدار مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۰۷/۱۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم-الدار الشامیه.
- رشوند، حسن (۱۳۸۸ش)، بسیج و تهدید نرم، تهران: امید انقلاب.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۶ق)، البدعة مفهوماً حدّها آثارها، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۱ق)، فی ظلال التوحید، تهران: دار مشعر.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷ش)، معانی الأخبار، ترجمه محمدی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چ ۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محقق: رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی.
- طبری، عمادالدین حسن بن علی (۱۴۲۰ق)، کامل البهائی، تعریب: محمد شعاع فاخر، نجف: انتشارات المکتبه الحیدریه.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸)، مجمع البحرین، به کوشش محمود عادل، تهران: دفتر نشر اسلامی.
- عباسی، شهاب‌الدین (۱۳۸۲ش)، «دین، فن آوری و تلویزیون از دید نیل پستمین»، فصلنامه پژوهش و سنجش، ش ۳۵، ص ۷۹-۹۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العین، قم: انتشارات هجرت.
- فیروزآبادی، سیدمرتضی (۱۳۹۴ش)، فضائل پنج تن در صحاح شش گانه اهل سنت، مترجم: محمدباقر ساعدی، تهران: مبین اندیشه.
- قزائنی، محسن (۱۳۷۵ش)، تفسیر نور، چ ۲۳، قم: مؤسسه در راه حق.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹ش)، أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، قم: انتشارات علمی اسلامیه.
- لسی، مان نورمان (۱۳۸۸ش)، اصول روان شناسی، ترجمه دکتر ساعتچی، چ ۱۵، تهران: امیرکبیر.
- متفکر، حسین (۱۳۹۰ش)، جنگ روانی، قم: پژوهشگاه تحقیقات اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶ش)، بحار الأنوار، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۰ش)، دانش نامه قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا.

معرفت، محمدهادی (۱۳۹۶ش)، تحریف ناپذیری قرآن، ترجمه غلامرضا نصیری، قم: نشر تمهید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، چ ۱۰، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.

مهدیان، عادل (۱۴۰۰ش)، تکنیک های جنگ نرم دشمن و راه های مقابله با آن از منظر قرآن و روایات، پایان نامه سطح ۳ حوزه علمیه قم.

نصر، صلاح (۱۳۸۷ش)، جنگ روانی، مترجم: محمود حقیقت کاشانی، چ ۴، تهران: انتشارات سروش.

صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران.

نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، فرهنگی دفاعی-امنیتی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش های مدیریت.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۹ش)، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب.

## References

### A. Scriptures

Holy Qur'an

Nahj al-Balaghah

### B. Other sources

- 'Abbāsī, Shahāb al-Dīn. 1382 Sh "Dīn, Fanāvarī va Tilvīzyūn az Dīd-i Nīl Postman" [Religion, Technology, and Television from Neil Postman's Perspective]. *Faṣlnāmah-i Pizhūhish va Sanjish* [Journal of Research and Assessment], no. 35: 79–96.
- Bayāt, 'Abd al-Rasūl. 1398 Sh. *Farhang-i Vāzhah-hā* [Dictionary of Terms]. Tehran: Intishārāt-i SAMT.
- Farāhīdī [Al-], Khalīl ibn Aḥmad. 1410 AH *Kitāb al-'Ayn* [The Book of the Spring]. Qom: Intishārāt-i Hijrat.
- Fīrūzābādī [Al-], Sayyid Murtaḍā. 1394 Sh. *Faḍā'il-i Panj Tan dar Ṣiḥāh-i Shishgānah-i Ahl-i Sunnat* [The Virtues of the Five Persons in the Six Canonical Books of the Ahl al-Sunnah]. Translated by Muḥammad Bāqir Sā'idī. Tehran: Mubīn-i Andīshah.
- Ḥarrānī [Al-], Ḥasan ibn 'Alī ibn Shu'bah. 1395 Sh. *Tuḥaf al-'Uqūl 'an Āl al-Rasūl* [The Masterpieces of Minds from the Household of the Prophet]. 6th ed. Translated by Aḥmad Jannatī. Tehran: Intishārāt-i Amīr Kabīr.

- Hāshimī Rafsanjānī, Akbar. 1389 Sh. *Farhang-i Qur'ān* [The Qur'anic Dictionary]. Qom: Būstān-i Kitāb.
- Ḥurr [Al-] al-Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1414 AH *Wasā'il al-Shī'ah* [The Means of the Shi'a]. 10th ed. Qom: Āl al-Bayt li-Iḥyā' al-Turāth.
- Ibn al-Athīr, Abū al-Ḥasan 'Alī ibn Abī al-Karam Muḥammad. 1387 Sh. *Usd al-Ghābah fī Ma'rifat al-Ṣaḥābah* [The Lions of the Forest in Knowing the Companions]. Qom: Mu'assasah-'i Farhangī va Ittīlā' rasānī-yi Tabyān.
- Ibn Fāris, Aḥmad ibn Zakarīyyā. 1404 AH *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah* [Dictionary of Linguistic Analogies]. Edited by 'Abd al-Salām Muḥammad Hārūn. Beirut: Nashr al-A'lām al-Islāmī.
- Ibn Kathīr, Ismā'īl ibn 'Umar. 1419 AH *Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm* [Exegesis of the Mighty Qur'an]. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyah.
- Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. 1414 AH *Lisān al-'Arab* [The Language of the Arabs]. Beirut: Dār Ṣādir.
- Ibn Mashhadī, Abū 'Abd Allāh Muḥammad ibn Ja'far. 1419 AH *Al-Mazār al-Kabīr* [The Great Pilgrimage Sites]. Edited by Qayyūmī Iṣfahānī. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī vābastah bih Jāmi'ah-'i Mudarrisīn-i Ḥawzah-'i 'Ilmīyah.
- Iskāfī [Al-], Abū Ja'far Muḥammad ibn 'Abd Allāh. 1374 Sh. *Al-Mi'yār wa al-Muwāzanah fī Faḍā'il al-Imām Amīr al-Mu'minīn 'Alī ibn Abī Ṭālib* [The Criterion and the Balance in the Virtues of Imam Amīr al-Mu'minīn 'Alī ibn Abī Ṭālib]. Translated by Maḥmūd Mahdawī Dāmghānī. Tehran: Nashr-i Nay.
- Jawādī Āmulī, 'Abd Allāh. 1383 Sh. *Nizāhat-i Qur'ān az Taḥrīf* [The Qur'an's Purity from Distortion]. Qom: Intishārāt-i Isrā'.
- Jawharī [Al-], Ismā'īl ibn Ḥammād. 1387 Sh. *Al-Ṣiḥāḥ: Tāj al-Lughah wa Ṣiḥāḥ al-'Arabīyyah* [The Correct: The Crown of Language and the Correct of Arabic]. 4th ed. Qom: Mu'assasah-'i Farhangī va Ittīlā' rasānī-yi Tibyān.
- Khamenei, Sayyid 'Alī. 1388 Sh. "Bayānāt dar Dīdār-i Mardum-i Chālūs va Nowshahr" [Statements in the Meeting with the People of Chalous and Nowshahr], October 7, 2009.
- Khātāmī, Aḥmad. 1370 Sh. *Farhang-i 'Ilm-i Kalām* [Dictionary of the Science of Theology]. Tehran: Intishārāt-i Ṣabā.
- Kulaynī [Al-], Muḥammad ibn Ya'qūb. 1369 Sh. *Uṣūl al-Kāfī* [The Principles of al-Kāfī]. Translated by Muṣṭafawī. Qom: Intishārāt-i 'Ilmīyah-'i Islāmīyah.

- Lislī Mān, Nurmān (Norman Leslie Munn). 1388 Sh. *Uṣūl-i Ravān-shināsī* [Principles of Psychology]. Translated by Dr. Sā'atchī (). 15th ed. Tehran: Amīr Kabīr.
- Mahdiyān, 'Ādil. 1400 Sh *Tiknīk-hā-yi Jang-i Narm-i Dushman va Rāh-hā-yi Muqābalah bā Ān az Manẓar-i Qur'ān va Ravāyāt* [The Enemy's Soft War Techniques and Ways to Counter Them from the Perspective of the Qur'an and Traditions]. Master's thesis (Level 3), Ḥawzah-i 'Ilmiyah-i Qum.
- Majlisī [Al-], Muḥammad Bāqir. 1386 Sh. *Biḥār al-Anwār* [Oceans of Lights]. Tehran: Intishārāt-i Dār al-Kutub al-Islāmīyyah.
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. 1371 Sh. *Tafsīr-i Nimūnah* [The Exemplary Exegesis]. 10th ed. Qom: Mu'assasah-'i Farhangī va Ittīlā'rasānī-yi Tibyān.
- Ma'rifat, Muḥammad Hādī. 1396 Sh. *Tahrīf-nāpazīrī-yi Qur'ān* [The Immunity of the Qur'an from Distortion]. Translated by Ghulām Riḍā Naṣīrī. Qom: Nashr-i Tamhīd.
- Muḥammadī Ray Shahri, Muḥammad. 1390 Sh. *Dānishnāmah-i Qur'ān va Hadīth* [Encyclopedia of the Qur'an and Hadith]. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Mutafakkir, Ḥusayn. 1390 Sh. *Jang-i Ravānī* [Psychological Warfare]. Qom: Pizhūhishgāh-i Taḥqīqāt-i Islāmī.
- Muṭahharī, Murtaḍā. 1377 Sh. *Majmū'ah-'i Āthār-i Shahīd Muṭahharī* [Collected Works of Shahīd Muṭahharī]. Tehran: Intishārāt-i Ṣadrā.
- Naṣr, Ṣalāḥ. 1387 Sh. *Jang-i Ravānī* [Psychological Warfare]. Translated by Maḥmūd Ḥaqīqat Kāshānī. 4th ed. Tehran: Intishārāt-i Surūsh-i Ṣadā va Sīmā-yi Jumhūrī-yi Islāmī-yi Īrān.
- Nowrūzī, Muḥammad Taqī. 1385 Sh. *Farhang-i Difā'i-Amnīyatī* [Defense-Security Culture]. Tehran: Markaz-i Muṭālī'āt va Pizhūhish-hā-yi Mudīriyat.
- Qarā'atī, Muḥsin. 1375 Sh. *Tafsīr-i Nūr* [The Exegesis of Light]. 23rd ed. Qom: Mu'assasah-'i dar Rāh-i Ḥaqq.
- Rāghib [Al-] al-Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. 1412 AH *Al-Mufradāt fī Gharīb al-Qur'ān* [The Vocabulary of Obscure Qur'anic Terms]. Beirut: Dār al-'Ilm - al-Dār al-Shāmīyyah.
- Rashvand, Ḥasan. 1388 Sh. *Basīj va Tahdīd-i Narm* [The Basij and Soft Threat]. Tehran: Omīd-i Inqilāb.
- Shaykh al-Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī. 1377 Sh. *Ma'ānī al-Akhhār* [The Meanings of the Traditions]. Translated by Muḥammadī. Qom: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.

- Subḥānī, Ja'far. 1416 AH *Al-Bid'ah: Maḥmūhā, Ḥadduhā, Āthāruhā* [Innovation: Its Concept, Limits, and Effects]. Qom: Intishārāt-i Mu'assasah-'i Imām Ṣādiq (AS).
- Subḥānī, Ja'far. 1421 AH *Fī Zilāl al-Tawḥīd* [In the Shades of Monotheism]. Tehran: Dār-i Mash'ar.
- Suyūṭī [Al-], Jalāl al-Dīn. 1404 AH *Al-Durr al-Manthūr fī al-Tafsīr bi al-Māthūr* [The Scattered Pearls in Exegesis by Tradition]. Qom: Maktabat Āyat Allāh al-Mar'ashī al-Najafī.
- Ṭabarī [Al-], 'Imād al-Dīn Ḥasan ibn 'Alī. 1420 AH. *Kāmil al-Bahā'ī* [The Complete of Bahā'ī]. Arabized by Muḥammad Shu'ā' Fākhir. Najaf: Intishārāt al-Maktabah al-Ḥaydarīyah.
- Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1374 Sh. *Tafsīr al-Mīzān* [The Balance in Exegesis]. Translated by Muḥammad Bāqir Mūsavī Hamadānī. 9th ed. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi'ah-'i Mudarrisīn-i Ḥawzah-'i 'Ilmiyah-i Qum.
- Ṭabrisī [Al-], Faḍl ibn Ḥasan. 1360 Sh. *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān* [The Gathering of Elucidation in Qur'anic Exegesis]. Edited by Riḍā Sotūdah. Tehran: Intishārāt-i Farāhānī.
- Tamīmī [Al-] Āmidī [Al-], 'Abd al-Wāḥid ibn Muḥammad. 1410 AH *Ghurar al-Ḥikam wa Durar al-Kalim* [The Pearls of Wisdom and the Gems of Sayings]. Qom: Dār al-Kitāb al-Islāmī.
- Turayhī [Al-], Fakhr al-Dīn. 1408 AH *Majma' al-Baḥrayn* [The Confluence of the Two Seas]. Edited by Maḥmūd 'Ādil. Tehran: Daftar-i Nashr-i Islāmī.
- Turner, Jonathan. 1378 Sh. *Maḥāḥim va Kārburd-hā-yi Jāmi'ah-shināsī* [Concepts and Applications of Sociology]. Translated by Muḥammad Fūlādī and Muḥammad 'Azīz Bakhtiārī. Qom: Mu'assasah-'i Āmūzishī va Pizhūhishī-yi Imām Khomeinī.